

Feasibility of Ontological Guardianship of Humans from the Perspective of Shi'a Scholars Based on the Quran and Hadith

Meisam Orangi¹

Abolfazl Esmaeili Jamkarani² Morteza Gharasban Rouzbahani³

Received: 2024/11/09 • Revised: 2024/12/02 • Accepted: 2025/01/25 • Published online: 2025/03/10



Abstract

Ontological guardianship is a significant topic among Muslim thinkers and a fundamental belief in Shi'a theology. According to this doctrine, alongside legislative guardianship, Allah inherently possesses ontological guardianship. However, the central question of this research is whether humans can also possess ontological guardianship. This study examines this issue by analyzing the perspectives of philosophers and theologians with reference to the Quran and hadith. The findings indicate that, based on the views of philosophers and theologians—derived from Quranic verses and hadith—there is no intrinsic impossibility (*imtinā' dhātī*) in the occurrence of ontological guardianship for humans. Furthermore, the ontological guardianship of certain individuals, particularly prophets and Imams, has been widely accepted among Shi'a scholars, especially

-
1. Instructor, Department of Islamic Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) misam.orangi1401@gmail.com
 2. Instructor, Department of Islamic Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran. salambarfateme@gmail.com
 3. Graduate of Level Three of the Islamic Seminary, Ph.D. Student in Teaching Islamic Studies (Specialization in Revolution of Iran), Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Iran. mgh1354@chmail.ir

* Orangi, M. & Esmaeili Jamkarani, A. & Gharasban Rouzbahani, M. (2024). Feasibility of Ontological Guardianship of Humans from the Perspective of Shi'a Scholars Based on the Quran and Hadith. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 6(20), pp. 97-127.
<https://doi.org/10.22081/jqss.2025.70236.1340>

philosophers and theologians. This concept does not lead to *shirk* (polytheism) or exaggeration (*ghuluw*) regarding divine figures, particularly the Imams, and thus does not contradict divine lordship. Accordingly, the majority of Shi'a scholars, by referring to religious texts, maintain that intervention in the natural order is primarily and essentially for God and secondarily and derivatively for certain righteous servants, granted by divine permission. This study employs a library-based research methodology to collect data and utilizes a descriptive-analytical approach to address its primary research question.

Keywords

Guardianship, Ontological Guardianship, Theologians, Philosophers, Religious Texts, The Holy Quran, Hadith.

إمكانية ولاية الإنسان التكوينية من وجهة نظر علماء الشيعة

ميثم أورنجي^١ أبو الفضل إسماعيلي الجمكراني^٢

مرتضى غرسبان الروزبهاني^٣

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/١١/٠٩ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/١٢/٠٢ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠١/٢٥ • تاريخ الإصدار:

٢٠٢٥/٠٣/١٠

الملخص

إن موضوع الولاية التكوينية من أهم المواضيع التي ناقشها علماء المسلمين، ومن عقائد الشيعة الأساسية التي تقول بأن الله تعالى بذاته له الولاية التكوينية بالإضافة إلى الولاية التشريعية. ولكن هل يمكن للإنسان أن يتمتع أيضاً بـ "الولاية التكوينية" هو السؤال الذي يتناوله هذا البحث، والذي يستند إلى آراء الفلاسفة واللاهوتيين ودراسة وجهات نظرهم، معتمداً على القرآن والحديث. وبناء على نتائج هذا البحث، ووفق وجهة نظر الفلاسفة والمتكلمين، المستمدة من الآيات والروايات، فإن ولاية الإنسان التكوينية ليست ممنوعة ذاتياً من حيث إمكانية حدوثه فحسب، بل إن الولاية التكوينية لبعض البشر، وفي مقدمتهم الأنبياء والأئمة، هي من الأمور التي اتفق عليها مفكرو الشيعة، وبخاصة الفلاسفة والمتكلمين، ولا تؤدي إلى الشرك والغلو في

١. مدرس، قسم المعارف، جامعة الإمام الحسين عليه السلام، طهران (المؤلف المسئول).

misam.orangi1401@gmail.com

salambarfateme@gmail.com

٢. مدرس، قسم المعارف، جامعة الإمام الحسين عليه السلام، طهران.

٣. خريج المستوى الثالث من الحوزة العلمية، طالب دكتوراه تدريس المعارف الإسلامية-اتجاه الثورة الإسلامية، كلية الإلهيات والأديان، جامعة الشهيد بهشتي.
mgh1354@chmail.ir

* أورنجي، ميثم؛ إسماعيلي الجمكراني، أبو الفضل؛ غرسبان الروزبهاني، مرتضى. (٢٠٢٤م). إمكانية ولاية الإنسان التكوينية من وجهة نظر علماء الشيعة، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٦ (٢٠)، صص ٩٧-١٢٧.
<https://Doi.org/10.22081/jqss.2025.70236.1340>

الأولياء الإلهيين، وبخاصة الأئمة الطاهرين، وبالتالي لا تتعارض مع التوحيد الربوبي. ولذلك فإن الشيعة تعتقد استناداً إلى النصوص الدينية أن التصرف في الخلق والتكوين هو لله أولاً وبالذات، ويمكن إثباته لبعض العباد الصالحين بإذن الله ثانياً وبالعرض. تم تجميع المعلومات في هذه الدراسة باستخدام المنهج المكتبي والسعي للإجابة على سؤال البحث الرئيسي باستخدام المنهج الوصفي التحليلي.

الكلمات الرئيسية

الولاية، الولاية التكوينية، المتكلمين، الفلاسفة، النصوص الدينية، القرآن، الروايات.

امکان‌سنجی ولایت تکوینی انسان از دیدگاه علمای شیعه با

استناد به قرآن و روایات



میثم اورنگی^۱ ابوالفضل اسماعیلی جمکرانی^۲ مرتضی غرسبان روزبهانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ • تاریخ آنلاین:

۱۴۰۳/۱۲/۲۰

چکیده

ولایت تکوینی یکی از مباحث مهم در میان اندیشمندان مسلمان و از باورهای اساسی شیعه است که براساس آن، خداوند در کنار ولایت تشریحی، بذاته دارای ولایت تکوینی نیز می‌باشد. اما اینکه انسان نیز می‌تواند دارای ولایت تکوینی باشد یا خیر، پرسش این تحقیق است که براساس نظر فلاسفه و متکلمین و بررسی دیدگاه آنها با استناد به قرآن و روایات به آن می‌پردازد. براساس یافته‌های تحقیق و بنابر دیدگاه فلاسفه و متکلمین که منبعث از آیات و روایات است، ولایت تکوینی انسان، نه فقط از حیث امکان وقوعی داری امتناع ذاتی نیست، بلکه ولایت تکوینی برخی از انسان‌ها که انبیا و ائمه در رأس آنها می‌باشند، مورد وفاق اندیشمندان شیعه به‌ویژه فلاسفه و متکلمین بوده و منجر به شرک و غلو در حق اولیا الهی به‌ویژه ائمه اطهار نمی‌شود و در نتیجه با توحید ربوبی منافات ندارد؛ بنابراین

۱. مربی گروه معارف دانشگاه امام حسین علیه السلام، تهران. misam.orangi1401@gmail.com
۲. مربی گروه معارف دانشگاه امام حسین علیه السلام، تهران. salambarfateme@gmail.com
۳. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه، دانشجو دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش انقلاب، دانشکده الاهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی. mgh1354@chmail.ir

* اورنگی، میثم؛ اسماعیلی جمکرانی، ابوالفضل؛ غرسبان روزبهانی، مرتضی. (۱۴۰۳). امکان‌سنجی ولایت تکوینی انسان از دیدگاه علمای شیعه با استناد به قرآن و روایات. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۶(۲۰)، صص ۹۷-۱۲۷. <https://doi.org/10.22081/jqss.2025.70236.1340>

جمهور شیعه با مراجعه به نصوص دینی معتقد است تصرف در تکوین، اولاً و بالذات برای خداوند و ثانیاً و بالعرض برای برخی بندگان صالح با اذن خداوند قابل اثبات است. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته و با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به پرسش اصلی تحقیق برآمده است.

کلیدواژه‌ها

ولایت، ولایت تکوینی، متکلمین، فلاسفه، نصوص دینی، قرآن، روایات.

مقدمه

ولایت بر انسان‌ها و موجودات، یکی از شئون خداوند است که مورد اجماع مسلمانان است. ولایت الهی به دو نوع ولایت تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شود که خداوند بذاته دارای هر دو نوع ولایت است؛ همچنین در تفویض ولایت تشریحی به معنای قدرت امر و نهی و قانون‌گذاری از سوی خداوند به انبیا، اختلافی وجود ندارد و سخن تنها در ولایت تکوینی است (خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۸؛ سبحانی، ۱۳۸۵، صص ۵۲-۸۵؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، صص ۶۱-۱۲۳).

ولایت تکوینی به معنای قدرت تسخیر و تصرف در عالم، از دیرباز مورد توجه گرایش‌های اسلامی بوده و به‌عنوان یکی از مباحث کلامی در تفکر شیعه مطرح بوده که دانشمندان علوم گوناگون از جمله فلاسفه و متکلمین به آن پرداخته‌اند. که در این خصوص ولایت تکوینی خداوند در این آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ جز این نیست که کار و فرمان او، چون چیزی را بخواهد، این است که گویدش: باش، پس می‌باشد» (یس، ۸۲) و در پنج آیه دیگر (بقره، ۱۱۷؛ آل‌عمران، ۴۷؛ نحل، ۴۰؛ مریم، ۳۵؛ غافر، ۶۸) به صراحت مطرح شده است. اما مسئله‌ای که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، ولایت تکوینی انسان و به بیان دقیق‌تر، تفویض بخشی از ولایت تکوینی از سوی خداوند به برخی انسان‌هاست.

از آنجا که اندیشه ولایت تکوینی انسان، مباحثی همچون تفویض، غلو، تقصیر و تکفیر را در پی داشته است، از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. ضروری است که این مسئله از منظر فلاسفه و متکلمین و براساس منابع دینی به‌ویژه قرآن و روایات، مورد بررسی جدی قرار گیرد؛ از این رو این تحقیق در پاسخ به این پرسش اساسی مطرح می‌شود که براساس نصوص دینی، فلاسفه و متکلمین درباره ولایت تکوینی انسان چه دیدگاهی دارند؟

در مورد مسئله این تحقیق، آثار گوناگونی همچون کتاب ولایت تکوینی و تشریحی نوشته آیت الله سبحانی؛ الولاية التكوينية حقيقة لها و مظاهرها تألیف سیدکمال الحیدری؛ رساله الولاية نوشته علامه طباطبایی؛ الولاية التكوينية لآل محمد، نوشته علی

عاشور و کتاب نظریة الاسلامیة حول ولایة التکوینیة تألیف علامه فضل الله به رشته تحریر درآمده است که عهده‌دار اثبات یا نفی ولایت تکوینی بوده‌اند. این تحقیق، با بررسی دیدگاه فلاسفه و متکلمین براساس نصوص دینی به این موضوع می‌پردازد. بر این اساس، عنوان این تحقیق، «بررسی دیدگاه فلاسفه و متکلمین در مورد ولایت تکوینی انسان با استناد به نصوص دینی» است که با روش کتابخانه‌ای و تحقیق و تفحص در آیات و روایات و همچنین آثار فلاسفه و متکلمین به استخراج داده‌ها پرداخته و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی موضوع خود می‌پردازد؛ از این رو در این تحقیق، پس از مقدمه، ضروری است ابتدا نگاهی گذرا به ولایت تکوینی داشته باشیم تا تعریف، سیر تطور، گستره و امکان وقوعی آن تبیین شود و در ادامه به ولایت تکوینی از منظر فلاسفه و متکلمین و همچنین ولایت تکوینی از منظر آیات و روایات پرداخته شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. ولایت

کلمه ولایت از «ولی، ولی» به معنای قرب و نزدیکی است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۴۰، ص ۲۴۱). این واژه در ابتدا برای قرب مکانی و به تدریج برای امور معنوی که موجب اثبات تصرف و تدبیر در عالم است به کاربرده شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۱).

ولایت از الفاظ پر استعمال در نصوص دینی است که در اصطلاح به معنای قرابتی است که منجر به نوعی تصرف و تدبیر در امور غیر می‌گردد، همانند تصرفی که ولی میت و صغیر در اموال آن‌ها دارد (طبرسی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۲؛ آملی، ۱۳۶۷، ص ۱۶۸). این ولایت رحمانی که در مقابل ولایت شیطنی است، حاصل شناخت اسماء و صفات الهی است که هدف نهایی از آن سیر انسان به سوی پروردگار است (خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۴؛ سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

ولایت به معنای تصرف در تکوین، اولاً و بالذات و به شکل مطلق منحصر در خداوند است که ریشه در صمدیت او دارد. صمد به معنای خالی نبودن است که لازمه‌ی آن پر و کامل بودن است؛ بنابراین موجودی که کامل می‌باشد، دارای قدرت و علم

مطلق بوده و در این صورت می‌تواند به‌عنوان ولی بر غیر باشد. و ثانیاً و بالعرض به برخی از بندگان با شرایط خاص و اذن الهی اعطاء شده است (صدوق، بی‌تا، ص ۱۷۱؛ محسنی، ۱۳۹۶، ص ۷۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۴۶).

بیان این نکته لازم است که به مقتضای برخی آیات (کهف، ۴۴) آنچه از واژه ولایت مدنظر است ولایت با فتح واو به معنای سرپرستی و تصرف است، نه ولایت با کسر واو که به معنای دوستی است (سیحانی، ۱۳۸۵، ص ۱۶).

۲-۱. تکوین

واژه تکوین برگرفته از «کون» به معنای احداث و به‌وجودآوردن است که این احداث و برپا کردن بدون هیچ عیب و نقصی است؛ چنانکه گفته می‌شود خداوند مکون اشیاء است، یعنی اینکه اشیاء را از عدم بدون هیچ عیب و نقصی به وجود آورده است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۵، ص ۱۴۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۶۵)؛ بنابراین معنای لغوی تکوین مجرد ایجاد و احداث است که همین معنا در اصطلاح نیز مدنظر است (خجاز قطیفی، ۲۰۱۳م، ص ۱۷).

۳-۱. ولایت تکوینی

با نظر به آنچه در رابطه با کلمه «ولایت» و «تکوین» گفته شد، منظور از ولایت تکوینی قدرتی است که منجر به تسخیر و سرپرستی موجودات (آملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۲) و تصرف عینی در عالم در اموری همچون احیاء، اماتة و رزق است (حیدری، ۲۰۱۱م، ص ۲۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲)؛ به عبارت دیگر ولایت تکوینی به معنای تسخیر مکنونات و کائنات امکانیه تحت اراده ولی، به اذن و مشیت الهی است (حمود، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۱۹). چنانکه در زیارت امام زمان آمده است: «فَمَا شَيْءٌ مِّنَّا إِلَّا وَ أَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ؛ ما هیچ کاری انجام نمی‌دهیم مگر اینکه سبب انجامش شما باشید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۹۲).
تصرف در تکوین را می‌توان به دو قسم ولایت ذاتیه مستقله و ولایت افاضیه غیریه تقسیم کرد. قسم اول از ولایت منحصر در خداوند است که به معنای هیمنه و تسلط

خداوند بر تمام عالم است و مفاد صریح آیات قرآن همچون آیه «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (شوری، ۹) «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره، ۱۰۷) گویای این مطلب است. قسم دوم ولایت به عنوان فیض الهی و عطایی ربانی برای ائمه بالخصوص و برای اوحدی از اولیا بالعموم با توجه به تفاوت سعه‌ی وجودی‌شان ثابت است (عاملی، ۲۰۱۳، ص ۳۴؛ خباز قطیفی، ۲۰۱۳، ص ۲۶؛ کربلایی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۹).

بر این اساس، ولایت تکوینی، نوعی ولایت اکتسابی است که با عمل به دستورات و قوانین شرع مقدس در انسان قدرتی روحی پدید می‌آورد که می‌تواند در عالم تصرف کند، به گونه‌ای که زبان او زبان خدا، دست او دست خدا و قلب او ظرف مشیت الهی می‌شود (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۷۸؛ سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۲۷) و در ایجاد و ابقاء ذرات عالم اعم از حیوانات و نباتات تاثیرگذار می‌گردد. البته لازم به ذکر است که ولی خدا در تصرفات خود در عالم چیزی جز مشیت و اراده الهی قصد نمی‌کند (خویی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۳۵؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۳۸).

کسب قدرت تصرف در تکوین امری ممکن است، چراکه وقتی دستیابی به قدرت تصرف در عالم از راه طبیعی وجود دارد، قطعاً اکتساب این قدرت از راه بندگی خداوند نیز میسر است (ابن سینا، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۹۷). مؤید این مطلب، روایات بسیاری است که به بازگویی کرامات، تصرفات ائمه، تسلط آنها بر ضمائر و شهادت آنها بر اعمال پرداخته است (مطهری، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۲۸۶).

۲. سیر تطور ولایت تکوینی

واژه ولایت تکوینی اصطلاحی نو ظهور است که در آیات، روایت و در کلمات متقدمین از فلاسفه و متکلمین مطرح نبوده است. مفاد ولایت تکوینی به معنای تصرف در عالم از دیرباز میان عالمان مطرح بوده است. در امکان و ثبوت این نوع از ولایت اختلافاتی وجود دارد (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۱۳؛ فضل الله، ۲۰۱۰، ص ۲۵).

ابوجعفر طبری (طبری، ۱۴۱۰ق، ص ۱۱)، سیدحیدر آملی (آملی، ۱۳۶۷، ص ۱۶۸؛ آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۷۸)، شیخ رجب برسی (برسی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۰۴) و دیگر عالمان در طی قرن‌های

مختلف بدون مطرح کردن نام ولایت تکوینی به این موضوع پرداخته‌اند. اما با عنوان ولایت تکوینی نخستین مرتبه در آثار سیدحسین بروجردی (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۴۳)، نائینی (آملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۲) و اصفهانی (اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۷۹) بازتاب یافته است. در ادامه علمای دیگری همچون صاحب قواعد الفقهیه (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۳۸)، خویی (خویی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۳۵)، طباطبائی (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۱۲) و جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۳۰۸) به این مسئله توجه کرده‌اند؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت که مفاد و معنای ولایت تکوینی به طور اجمالی مورد پذیرش واقع شده است. توجه به این مسئله لازم است که به دلیل آنکه هیچ اجماعی بر وجوب پذیرش این ولایت از سوی علمای شیعه مطرح نشده است و همچنین این بحث از فروغ به حساب می‌آید؛ اعتقاد یا عدم اعتقاد به ولایت تکوینی محل به اسلام و ایمان کسی نیست (مغنیه، ۱۹۹۳م، ص ۱۶۴؛ فضل الله، ۲۰۱۰م، صص ۲۳-۲۵).

۳. گستره ولایت تکوینی

ولایت تکوینی به ادله قرآنی و روایی امری پذیرفته شده است؛ اما در محدوده‌ی آن از جهت سعه و ضیق، اختلافات فراوانی وجود دارد (عاشور، بی‌تا، ص ۵۵). محل نزاع در محدوده‌ی ولایت تکوینی از این جهت است که آیا متعلق ولایت تکوینی همه اشیاء عالم است یا برخی اشیاء و یا حیثیتی دیگر (خرسی بحرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۵۲). برخی اندیشمندان بر این باورند که هیچ اجماع و اتفاقی از سوی علمای شیعه در رابطه با ولایت تکوینی ائمه فضلاً از سایر انسان‌ها وجود ندارد (فضل الله، ۲۰۱۰م، ص ۱۰۰؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۷). در مقابل افرادی نیز بر این اعتقادند که ولایت در تکوین برای ائمه به طور اتم و اکمل و برای اوحدی از اولیا به اندازه سعه‌ی وجودیشان ثابت است با این استدلال که ولایت آنان از سنخ ولایت خداوند است و همان گونه که خداوند قدرت تصرف و تدبیر عالم از حیث کم و کیف را دارا است، آنان نیز داری چنین هیمنه و قدرتی در عالم هستند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۲؛ خرسی بحرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۵۲).

حق آن است که قدرت تصرف در تکوین به حسب افراد مختلف، متفاوت است

چنانکه بنابر آیه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ» (نمل، ۴۰) آصف به دلیل داشتن علم به بخشی از کتاب، دارای ولایت تکوینی بوده است. از سویی بنابر روایات بسیاری، ائمه اطهار نیز به دلیل آنکه عالم به کل کتاب بوده‌اند ولایت آنان به‌طور اتم و اکمل قابل اثبات است (عاشور، بی‌تا، ص ۵۵)؛ بنابراین هر قدر انسان از نظر قرب و کمال روحی و معنوی به پروردگار عالم نزدیک‌تر باشد و اسماء الهی بیشتری در او تجلی یابد، همانندی او با خداوند بیشتر شده است؛ در نتیجه قدرت و تسلط او در تکوین به مراتب بیشتر خواهد بود (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۵۲؛ خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۸).

محدوده ولایت تکوینی با توجه به تعاریف پذیرفته شده از سوی علما بدین صورت قابل طرح است: ولایت به معنای سیطره پیامبر و ائمه بر تمامی ذرات عالم است (خمینی، ۱۳۸۴، ص ۵۲)؛ امامان واسطه در ایجاد، وجود و خلق هستند و ولایت آنان همانند ولایت الله در خلق و ایجاد است (خویی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۸۰)؛ ولایت در تکوین به‌طور مطلق برای پیامبر و معصومین و به‌طور جزئی برای گملمین از علما و اولیا ثابت است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۳۸)؛ عالم مسخر و تحت اراده و مشیت معصومین است (آملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۲)؛ انبیا و اولیا به اذن الهی و به اراده‌ی خودشان در خلق و تکوین تصرف می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۰۸)؛ قدرت، علم، حیات و سایر صفات الهی از مجرای پیامبر و امامان افاضه می‌شود (حسینی تهرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۱۱۴).

۴. امکان وقوعی ولایت تکوینی

امکان وقوعی، بیانگر آن است که فرض تحقق چیزی منجر به امر محال نگردد؛ بدین معنا که تحقق آن، امتناع ذاتی و غیری نداشته باشد (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۶۴). اعطای ربانی ولایت تکوینی از نظر افاضه‌کننده و پذیرنده امری ممتنع نیست. افاضه ولایت از جهت عطاکننده ممتنع نیست، چراکه به حکم آیه «إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا» (فاطر، ۴۴) خداوند به دلیل احاطه و تسلط بر عالم، قادر است بنابر حکمت برای برخی بندگان در چارچوبی تعریف‌شده این ولایت را اعطا کند (خرسی بحرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۹۱؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۲۶؛ الصغیر، ۱۹۹۸م، ص ۱۳۵).

از جهت پذیرنده نیز قابلیت اعطای ولایت در تکوین محذوری را به همراه ندارد، چراکه ولایت تکوینی برای برخی انسان‌ها به اذن الهی به وفور به وقوع پیوسته است (حیدری، ۲۰۱۱، صص ۲۲-۷۵؛ حسینی شیرازی، ۲۰۰۲، ص ۱۳). از سویی شواهد قرآنی، روایی و کلام بزرگان دین نیز بهترین دلیل بر اثبات امکان تصرف در تکوین برای اولیای الهی است. هرچقدر تقرب انسان به خداوند بیشتر باشد، همانندی او با خداوند بیشتر شده و قادر به تأثیرگذاری در عالم می‌گردد. چنانکه در حدیث قدسی آمده است: «ای بنده من؛ مرا فرمان ببر تا تو را همانند خود سازم، همچنان که من به هر چیزی فرمان دهم خواهد شد، تو را نیز چنان می‌کنم که به هر چه فرمان دهی انجام پذیرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۲، ص ۱۶۵). نیز در روایت دیگری آمده است: «العبودية جوهرة کنهها الربوبية» بدین معنا که انسان در اثر عبودیت می‌تواند به مقام ربوبیت که همان تصرف در تکوین است نائل آید همچنین است حدیث قرب نوافل که بر این مطلب دلالت دارد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۵۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۷۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۳۶۵).

۵. ولایت تکوینی از دیدگاه علمای شیعه

در این بخش، دیدگاه علمای شیعه اعم از فلاسفه و متکلمین در مورد ولایت تکوینی را بررسی می‌کنیم:

۱-۵. ولایت تکوینی از دیدگاه فلاسفه

فلاسفه امکان ذاتی و وقوعی ولایت تکوینی را مستند به آیات، روایات و عقل می‌دانند. آنان بر این باورند که دستیابی به این ولایت امری ممکن است (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۲۷). از آنجایی که مادیات تحت فرمان مجردات هستند، هرقدر انسان از طریق قرب معنوی همانندیش با خداوند بیشتر شود، سیطره و تصرف او بیشتر شده و قدرت تأثیرگذاری بر غرایب عالم را حاصل می‌کند. در نتیجه ولایت او در تکوین از سنخ ولایت الله خواهد شد و همان گونه که خداوند قدرت تصرف و تدبیر از حیث کم و کیف را دارد، ولی خدا نیز به استعانت و اذن الهی به این درجه از ولایت می‌رسد

(صدرالمتالهین، ۱۴۲۲ق، ص ۶۰۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۲) و تمامی خلق اعم از مجرد و ماده در برابر او خاضع می‌شوند؛ ملائکه بر او سجده می‌کنند؛ ملک و ملکوت تسلیم امر او می‌شوند؛ دعای او در عالم جبروت شنیده شده و بدین سبب ایجاد و تکوین در اختیار او قرار می‌گیرد (صدرالمتالهین، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۱۹۶؛ صدرالمتالهین، ۱۹۸۱، ج ۳، ص ۷).

حصول این ولایت بدین جهت است که انسان قادر به ایجاد اتحاد میان ظرفیت ملکوتی خود با عالم است؛ از این رو وقتی عالم در وجود انسان محقق شد، ارتباط تکوین میان او و عالم پدید می‌آید که براساس آن می‌تواند همانند ملائکه در عالم تصرف کند. این امر دارای استبعاد نیست، چراکه تحصیل برخی از این امور برای غیر اولیای خدا به اسباب طبیعی فراهم است (ابن سینا، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۹۷). بی‌شک وقتی اشراقات معنوی بر نفوس مستعد بتابد، دارای آنچنان قدرت و علمی می‌شوند که نور الهی درون آنان مستقر می‌گردد و عالم مطیع و فرمان بردار محض آنان می‌شود و در سیر صعودی خود به مقام والای «کن» می‌رسند (سهروردی، ۱۳۷۲، ص ۵۸۷؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳، ص ۶۸).

۲-۵. ولایت تکوینی از دیدگاه متکلمین

متکلمین در سده‌های اخیر به‌صراحت به بحث ولایت تکوینی نپرداخته‌اند، اما در آثار آنان مؤلفه‌های این ولایت قابل مشاهده است. دلیل این مطلب نقل روایات فراوان در کتب برخی از آنان همچون شیخ صدوق، شیخ مفید و سیدمرتضی است، بدون اینکه شبهه یا تشکیکی درباره این روایات مطرح کنند (عاملی، ۲۰۱۳، ص ۱۳۹).

از جمله مؤلفه‌هایی که اشاره به ولایت تکوینی دارد روایات مرتبط با علم ائمه به اسم اعظم، واسطه فیض بودن، اعجاز، نقش اهل بیت در امامت و احیاء، تسخیر و فرمان برداری زمین و کوه‌ها است که تمامی این احادیث نشان از قبول اجمالی ولایت تکوینی توسط متکلمین است (عاملی، ۲۰۱۳، ص ۱۰۱؛ خباز قطیفی، ۲۰۱۳، ص ۱۳۴).

به‌عنوان نمونه می‌توان به کلام کراچکی اشاره کرد؛ او بر این باور است که تبعیت از امام واجب است به همین دلیل برای یقین بر امامت آنان؛ خداوند از روی لطف و صلاح نشانه‌هایی به وسیله آنان ظاهر می‌کند؛ علم به غائبات و امور آینده می‌دهد؛ خصوصاً

برای تأیید امامت حضرت مهدی قدرت بر امور خارق العاده و زنده کردن مردگان افاضه می کند (کراچی، ۱۳۶۹، ج ۱، صص ۲۴۵-۲۴۷).

صاحب بصائر، ابن شهر آشوب، کلینی و صدوق از جمله متکلمانی هستند که به نقل روایات تصرف اهل بیت پرداخته اند. در باب "علم اهل بیت به اسم اعظم" از امام هادی نقل می کند: «آصف که توانست تخت ملکه سبأ را از یمن به فلسطین به کمتر از یک چشم بر هم زدن حاضر کند، تنها به یک حرف از هفتاد و سه حرف اسم اعظم علم داشته است، در حالی که هفتاد و دو حرف دیگر از اسم اعظم نزد ما اهل بیت است.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۳۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶، ج ۳، ص ۳۱۰) بالاتر از این مطلب آنکه در روایات دیگری اماتة و احیاء، اطاعت و فرمان برداری زمین و کوه ها (صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۶۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ص ۶) به ائمه نسبت داده شده است.

متکلمانی همچون شیخ مفید و سید مرتضی اثبات امامت از طریق معجزه را مورد اتفاق علما می دانند (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰) معجزه امری خارق العاده است که فرد مدعی نبوت یا امامت با تصرف در نوامیس طبیعت در پی اثبات مدعایش است. (خویی، ۱۹۷۵م، ص ۳۶)؛ بنابراین می توان برای اثبات ولایت تکوینی از آن بهره جست و اعجاز را یکی انحاء ولایت تکوینی دانست. (خباز قطیفی، ۲۰۱۳م، ص ۴۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۳۶۲) از این رو حصول این نتیجه که مؤلفه های ولایت تکوینی در آثار متکلمان بزرگ وجود دارد و قاطبه ی علما اعم از متکلم و فیلسوف معتقد به ولایت تکوینی می باشند، امری پذیرفته شده است.

۶. ولایت تکوینی از منظر قرآن و روایات

در این بخش به بررسی ولایت تکوینی از منظر قرآن و روایات پرداخته می شود:

۱-۶. ولایت تکوینی در آیات قرآن

قرآن کریم آیات فراوانی ذیل بحث تصرف در تکوین یاد آور شده است که انبیا و اولیا الهی شایستگی دارند با ارتقای کمال روحی و معنوی، قدرت تصرف بیشتر بر عالم

را حاصل کنند. نکته حائز اهمیت اینکه مقام ولایت امری اکتسابی است که منحصر به انبیا نیست، بلکه بندگان مقرب نیز توان بهره‌مندی از این فیض الهی را دارند (عاشور، بی‌تا، ص ۱۳۵؛ الصغیر، ۱۹۹۸م، ص ۱۵۴؛ حیدری، ۲۰۱۱م، ص ۹۹). باید توجه داشت که نسبت مجازدادن به افعال اولیا الهی و انتساب این افعال به خداوند خلاف ظاهر آیات قرآن است. در ادامه براساس آیات الهی به برخی از مهمترین مصادیق ولایت تکوینی انسان‌ها اشاره می‌شود:

۶-۲-۱. علم الكتاب

آیه مربوط به آوردن تخت بلقیس توسط عاصف وزیر حضرت سلیمان، از جمله شایع‌ترین آیات در اثبات ولایت تکوینی انسان است. خداوند در این رابطه می‌فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي؛ کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: «این از فضل پروردگار من است» (نمل، ۴۰). این آیه دلالت بر دارابودن ولایت تکوینی آصف بن برخیا دارد. حضرت سلیمان ملکه سبأ را احضار کرد و از یاران خود درخواست انتقال تخت ملکه قبل از حضور او را کردند سرانجام تخت ملکه سبأ از یمن به فلسطین توسط آصف که فقط بهره‌اندکی از علم به کتاب داشت انجام گرفت.

آنچه از این آیه قابل برداشت است اینکه اولاً: یاران سلیمان توانایی بر این امر خارق‌العاده را داشتند که چنین درخواستی از آن‌ها توسط پیامبر خدا صورت پذیرفت (روحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۲۶۸)؛ بنابراین امکان تصرف در تکوین برای برخی بندگان صالح حاصل است. ثانیاً: در این آیه آصف قدرت انتقال تخت را به خودش انتساب داده است که نشان از تأثیر طولی او در این امر است (میلانی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۳)، ثالثاً: میان علم و ولایت تکوینی تلازم وجود دارد، به هر میزان علم به کتاب بیشتر شود، قدرت ولایت نیز افزایش می‌یابد؛ لذا قدرت بر تصرف در تکوین برای حضرات معصومین که علم به کل کتاب داشتند به نحو اتم واکمل ثابت است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۶۷؛ خباز قطفی،

۲۰۱۳م، صص ۸۳-۲۵۰). چنانکه سلیمان بن سدیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت پرسید: «کسی که علم کل کتاب را دارا است بافهم‌تر است یا کسی که جزئی از علم کتاب را دارد؟» گفتم کسی که علم به کل کتاب دارد بافهم‌تر است. سپس امام اشاره به سینه خود نمود و فرمود: به خدا! تمام علم کتاب نزد ما حاضر است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۵۷). به بیان دیگر آیه مشعر به علیت است، زیرا علت اثبات ولایت تکوینی، داشتن بخشی از علم به کتاب مطرح شده است از این رو با توجه به قیاس اولویت که به دلیل قوی بودن مناط حکم در فرع، حکم اصل به فرع سرایت می‌کند؛ نتیجه گرفته می‌شود کسی که علم به کل کتاب دارد به طریق اولی علم به بخشی از علوم دارد؛ بنابراین به دلیل قوی بودن مناط حکم (علم به کل کتاب) به طریق اولی ولایت تکوینی برای حضرات معصومین ثابت است.

۶-۲-۲. معجزات انبیا

معجزه نیز یکی از انحاء ولایت تکوینی است؛ از این رو تمام آیاتی که دلالت بر معجزات انبیا دارد، همگی مثبت ولایت تکوینی است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۳۶۲؛ روحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۲۶۸). از سویی بنابر اینکه هر آنچه از کمالات و امتیازات که برای مفضل ثابت است برای فاضل نیز ثابت است، تمامی ولاءهای تکوینی انبیا برای ائمه به طریق اولی ثابت است، چرا که شیعه متفق بر افضلیت ائمه بر انبیا است (روحانی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۵۸؛ خرسی بحرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰۱) برخی از آیاتی در این رابطه عبارت‌اند از:

آفریدن موجود جاندار از گِل، شفای کور مادرزاد، درمان مبتلایان به پستی و زنده کردن مردگان و اخبار از غیب، برخی مصادیق بارز تصرف در تکوین است که در آیه ۴۹ سوره آل عمران حضرت عیسی تمامی این تصرفات را به خود نسبت می‌دهد که نشان از قدرت و نفوذ او بر عالم تکوین است (حمود، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۳۳): «أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ؛ من از گِل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم؛ سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده‌ای می‌گردد؛ و به اذن خدا،

کورِ مادرزاد و مبتلایان به برص [پسی] را بهبودی می‌بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم».

آیات ۳۶ تا ۳۸ سوره ص از مواردی است که به تصرفات تکوینی حضرت سلیمان پرداخته است: «فَسَحَرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُحَاءَ حَيْثُ أَصَابَ وَ الشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَ عَوَاصِ وَ آخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَضْفَادِ؛ ما باد را مسخر فرمان او کردیم که به امرش هر جا می‌خواست به آرامی روان می‌شد و شیاطین را هم که بناهای عالی می‌ساختند و از دریا جواهرات گران بها می‌آوردند مسخر امر او کردیم؛ و دیگران از شیاطین را (که در پی اضلال خلق بودند، به دست او) در غل و زنجیر کشیدیم.» عبارت «فسخرنا» و «تجری بامری» بیانگر این مسئله است که قدرت بر نظام آفرینش که یک مصداق آن تعیین جریان حرکت باد است به فرمان و دستور سلیمان انجام گرفته است.

۶-۲-۳. کرامات غیرانبیا

یکی دیگر از مصادیق ولایت تکوینی انسان، کرامات غیرانبیا است. که قرآن در برخی موارد به آنها اشاره کرده است:

قرآن به صراحت، قدرت تصرف در تکوین برای غیرانبیا را ذیل داستان انتقال تخت ملکه سبأ این گونه نقل کرده است: «قَالَ عِفْرِيْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ؛ یکی از جنیان کاردان و تیزهوش گفت: پیش از آنکه از مسند خود برخیزی آن را نزد تو حاضر می‌کنم، و من بر این [کار] توانا و مورد اعتماد هستم!» (نمل، ۳۹) آیه بیانگر آن است که اولاً: درخواست تصرف در تکوین از غیرنبی جایز است. ثانیاً: ضمیر منفصل «انا» و همچنین ضمیر متکلم «آتیک» دلالت بر ولایت فعلی و نه شأنی دارد، چراکه این تصرف به صورت مستقیم توسط غیرنبی در خارج محقق شده است (حمود، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۳۰). ثالثاً: نشان از عدم تضاد با توحید افعالی دارد در غیر این صورت چنین فعلی از پیامبر خدا صادر نمی‌شود. رابعاً: انتساب این گونه امور به غیرخدا حقیقی است؛ زیرا اگر به صورت مجازی به غیرخدا نسبت داده

می‌شد، درخواست چنین عملی از پیامبر الهی صحیح نبود (میلانی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۳؛ حیدری، ۲۰۱۱، ص ۱۰۱).

آیه ۸۴ سوره کهف نیز از جمله آیاتی است که دلالت بر ولایت تکوینی دارد. قرآن در داستان ذوالقرنین می‌فرماید: «إِنَّا مَكْنَنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا؛ ما به او (ذوالقرنین) در روی زمین، قدرت و حکومت دادیم؛ و اسباب هر چیز را در اختیارش گذاشتیم» آیه بیانگر آن است که اولاً: ولایت تکوینی برای غیرانبیا ثابت است. ثانیاً: ذوالقرنین قدرت تصرف در تکوین به هرگونه و کیفیتی داشته است (خرسی بحرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰۱).

۶-۲. ولایت تکوینی در روایات

افزون بر آیات قرآن، روایات فراوانی در حد تواتر معنوی با موضوع تصرف در تکوین وجود دارد (خرسی بحرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۰؛ روحانی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۵۷) که از گذشته مورد توجه علما بوده است. محمد بن حسن صفار در کتاب بصائر الدرجات، کلینی در کافی، سیدمرتضی در عیون المعجزات، علامه مجلسی در بحار الانوار و دیگر عالمان بزرگ شیعه این روایات را ذکر کرده‌اند. برخی از این روایات به طور صریح و برخی به نحو التزامی بر ولایت تکوینی دلالت دارند (عاملی، ۲۰۱۳، ص ۱۳۹؛ قطیفی، ۲۰۱۳، صص ۲۷۹-۳۰۲، خرسی بحرانی، ۱۴۳۱ق، صص ۱۲۰-۱۵۰).

از جمله روایاتی که به دلالت التزامی بر ولایت تکوینی دلالت دارد، احادیث علم به اسم اعظم است. کلینی بابی را تحت عنوان «ما اعطی الائمة علیهم السلام من اسم الله الاعظم» نگاشته است که احادیث آگاهی ائمه به اسم اعظم را بیان نموده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۳۰). آنچه از نصوص روایی مستفاد است اینکه میان علم به اسم اعظم و ولایت تکوینی تلازم برقرار است. به هر میزان تملک نسبت به علم بیشتر باشد هیمنه و تسلط بر عالم وجود از حیث ایجاد و عدم بیشتر است؛ بنابراین، علم علت و شرط فاعلیت فاعل ولایت تکوینی است.

ائمه از جمله افرادی هستند که علم به تمام اسم اعظم دارند؛ لذا دارای قدرت بر

تصرف در تکوین به نحو اکمل می‌باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۳۵۵؛ حیدری، ۲۰۱۱م، ص ۱۹۴). در همین رابطه جابر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است و فقط یک حرف آن نزد آصف بود، آصف آن یک حرف را گفت و زمین میان او و تخت بلقیس در هم نوردید تا او تخت را به دست گرفت، سپس زمین به حالت اول بازگشت و این عمل در کمتر از یک چشم به هم زدن انجام شد و ما عالم به هفتاد و دو حرف از اسم اعظم هستیم و یک حرف هم نزد خداست که آن را در علم غیب برای خود مخصوص ساخته است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۳۰؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۸).

تصرف در عالم همچون زنده کردن مردگان و شفای کور مادرزاد از جمله مواردی است که از انبیا به ائمه اطهار ارث رسیده است. از ابویصیر نقل شده است: «بر امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام وارد شدم و پرسیدم شما وارثان پیامبر هستید؟ فرمود آری. گفتم پیامبر وارث انبیا بوده است و هر آنچه انبیا می‌دانستند، پیامبر می‌دانست؟ فرمود: آری. سپس پرسیدم آیا شما قادر به زنده کردن مرده‌ها و شفادهنده کور مادرزاد و پیسی هستید؟ فرمود: به اذن الله قادر هستیم.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ص ۶). در بسیاری از روایات آمده است که آسمان و زمین و هر آنچه در آن است مسخر و مطیع ائمه اطهار و اصحاب ایشان است. همان‌گونه که سلیمان نبی قدرت تصرف در زمین و زمان داشت؛ ائمه اطهار و اصحاب ایشان نیز چنین قدرتی دارند. از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «مردی از وی پرسید آیا خداوند تمام قدرت‌های سلیمان را به شما عطا کرده است؟ فرمودند آری.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۱۲۵؛ راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۸۸؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۳۸۱).

نیز در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام بیان شده است که می‌فرماید: «گویی می‌بینم که یاران امام عصر جهان را محاصره کرده‌اند و همه موجودات مطیع و فرمانبردار آنها هستند، حتی درندگان و پرندگان؛ موجودات مختلف عالم فقط خشنودی آنها را می‌خواهند. حتی بعضی نقاط زمین مباحات می‌کند بر بعضی دیگر و می‌گوید امروز یکی از یاران قائم بر روی من عبور کرد» (صدوق، ۱۳۶۳، ص ۶۷۲، ح ۲۵).

از جمله تصرفات تکوینی ائمه قدرت بر معجزات پیامبران گذشته است. صدوق و کلینی از بزرگانی هستند که به بیان احادیث در این باب پرداخته‌اند. در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «عصای موسی نخست برای آدم بود؛ از او به شعیب پیامبر و آن‌گاه به موسی رسید و اینک آن عصا نزد ما خاندان پیامبر است. من تازه آن را دیده‌ام که سبز رنگ است همانند روزی که از درخت بریده شده است. آن عصا هنگامی که خواسته شود به قدرت خدا سخن می‌گوید و برای قائم ما آماده شده است و آن گرامی از آن همان‌گونه بهره می‌برد که موسی بهره برد و آن عصا هر آنچه دستور یابد انجام می‌دهد» (صدوق، ۱۳۶۳، ص ۶۷۲، ح ۲۷).

نتیجه‌گیری

واژه «ولایت تکوینی» در ادبیات علمای متقدم به کار نرفته است، اما مفهوم آن به معنای قدرت بر تصرف در تکوین همواره مورد قبول بوده است. قدرت تصرف در عالم در مرحله‌ی اول برای خدا و در مرحله دوم انتساب آن به دیگران به اذن الهی، امری قابل اثبات است. شأن تکوینی انبیا، اهل بیت و اولیا ثبوتاً و اثباتاً افزون بر آیات و روایات در کلام بزرگان شیعه به وضوح نمایان است.

ولایت تکوینی از جمله شئون مهمی است که امامیه برای ائمه اطهار و برخی اولیا خاص قایل است. مفاد و معنای ولایت تکوینی در کلام بزرگان از فلاسفه و متکلمان وجود دارد. آنان با بهره‌گیری از نصوص دینی به‌طور صریح و غیرصریح به این موضوع پرداخته‌اند. در گستره ولایت میان علما اختلاف نظر وجود دارد، اما اصل مسئله تصرف در تکوین مورد پذیرش جمهور شیعه است؛ همچنین براساس آیات و روایات، اصل ولایت تکوینی امری مسلم و پذیرفته شده است که تبیین درست آن منجر به شرک و غلو در حق اولیای الهی به‌ویژه ائمه اطهار نمی‌شود و در نتیجه با توحید ربوبی منافات ندارد.

در مجموع می‌توان گفت که ولایت تکوینی برخی انسان‌ها که انبیا و ائمه در رأس آنها هستند، مورد وفاق اندیشمندان شیعه به‌ویژه فلاسفه و متکلمین بوده و این دیدگاه،

منبعث از آیات و روایات فراوانی است که به این موضوع پرداخته‌اند. در قرآن کریم، علم الکتاب، معجزات انبیا و همچنین کرامات برخی افراد از مصادیق مهم ولایت تکوینی انسان برشمرده شده و در روایات نیز به مصادیقی نظیر علم به اسم اعظم الهی پرداخته شده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. آملی، حیدر. (۱۳۶۷). المقدمات من کتاب نص النصوص. تهران: توس.
۲. آملی، حیدر. (۱۴۲۲ق). تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخظم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم (ج ۴). قم: نور علی نور.
۳. آملی، محمد تقی. (۱۴۱۳ق). المکاسب و البیع. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله. (بی تا). الاشارات و التنبیها (ج ۳). قم: دفتر نشر کتاب.
۵. ابن شهر آشوب، محمد. (۱۹۵۶م). مناقب آل ابي طالب (ج ۳). نجف: حیدری.
۶. ابن فارس، احمد. (۱۳۹۹ق). معجم مقایس اللغة. بیروت: دار الفکر.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۳). بیروت: دار صادر.
۸. اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۱۹ق). حاشیه المکاسب (ج ۲). قم: ذوی القربی.
۹. بجنوردی، حسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهية (ج ۷). قم: الهادی.
۱۰. برسی، حافظ رجب. (۱۴۱۹ق). مشارق أنوار الیقین. بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
۱۱. بروجردي، سيد حسين. (۱۴۱۶ق). تفسیر الصراط المستقیم (ج ۳). قم: انصاریان.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۹). ولایت در قرآن. قم: نشر پژمان.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). ولایت فقیه ولایت فقاہت وامامت. قم: اسراء.
۱۴. حرعالمی، محمد. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعة (ج ۴). قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۱۵. حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۳). انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه. قم: قیام.
۱۶. حسینی تهرانی، محمد حسین. (۱۴۱۸ق). امام شناسی (ج ۵). مشهد: ناشر علامه طباطبائی.
۱۷. حسینی شیرازی، محمد. (۲۰۰۲م). الولاية التكوينية التشريعية لصديقة الطاهرة. بیروت: هیات محمد امین.

۱۸. حمود، محمد جمیل. (۱۴۲۱ق). الفوائد البهية في شرح عقائد الامامية (ج ۲). بيروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۹. حیدری، کمال. (۲۰۱۱م). الولاية التكوينية حقيقتها و مظاهرها. قم: دار فريد.
۲۰. خباز قطيفی، ضیا. (۲۰۱۳م). الولاية التكوينية بين القرآن و البرهان. قم: باقيات.
۲۱. خرسی بحرانی، محمد. (۱۴۲۳ق). انوارالمحمدية في الولاية التكوينية. قم: انتشارات حضرت معصومه.
۲۲. خمینی، روح الله. (۱۳۶۸). شرح دعای سحر. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۳. خمینی، روح الله. (۱۳۸۴). الحكومة الاسلامیة. تهران: عروج.
۲۴. خویی، ابوالقاسم. (۱۳۷۷). مصباح الفقاهة، بقلم محمد علی توحیدی تبریزی (ج ۳، ۵). قم: داوری.
۲۵. خویی، ابوالقاسم. (۱۹۷۵م). البيان في تفسير القرآن. بيروت: دارالزهراء.
۲۶. راوندي، قطب الدين. (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح (ج ۱). قم: مؤسسة الإمام المهدي علیه السلام.
۲۷. روحانی، محمد صادق. (۱۴۲۹ق). منهاج الفقاهة (ج ۴). قم: انوار الهدی.
۲۸. روحانی، محمد صادق. (۱۴۳۱ق). أجوبة المسائل في الفكر و العقيدة و التاريخ و الأخلاق (ج ۱). قم: دار زين العابدين.
۲۹. زبیدی، محمد. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بيروت: دار الفكر.
۳۰. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۵). ولايت تكوينی و تشريعی. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
۳۱. سبزواری، سيد عبد الاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الاحكام في بيان حلال و الحرام (ج ۱۶). قم: موسسه المنار.
۳۲. سهروردی، محمد. (۱۳۷۲). شرح حکمة الاشراف (محقق: حسین ضیائی). تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۳. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۹۳). ولايت تكوينی و ولايت تشريعی. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی.

۳۴. صدر المتألهين، محمد. (۱۳۷۰). تفسير القرآن الكريم (ج ۵). قم: بيدار.

۳۵. صدر المتألهين، محمد. (۱۴۲۲ق). المبدأ والمعاد (محقق: سيد جلال الدين آشتياني). قم: مكتبة الاعلام الاسلام.

۳۶. صدر المتألهين، محمد. (۱۹۸۱م). الحكمة المتعالية في الأسفار العقلية الأربعة (ج ۳). بيروت: دار إحياء التراث العربي.

۳۷. صدوق، محمد. (۱۳۶۳). كمال الدين و تمام النعمة (مصحح: علي أكبر الغفاري). قم: دفتر انتشارات اسلامي.

۳۸. صدوق، محمد. (۱۴۱۷ق). الأمالي. قم: موسسه البعثة.

۳۹. صدوق، محمد. (بی تا). التوحيد. قم: دفتر انتشارات اسلامي.

۴۰. الصغير، جلال. (۱۹۹۸م). الولاية التكوينية الحق الطبيعي للمعصوم. بيروت: دار الأعراف للدراسات.

۴۱. صفار، محمد. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات. تهران: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

۴۲. طباطبائي، سيد محمد حسين. (۱۳۶۰). رساله الولاية. قم: موسسه اهل البيت.

۴۳. طباطبائي، سيد محمد حسين. (۱۳۸۵). بداية الحكمة. قم: دارالعلم.

۴۴. طباطبائي، سيد محمد حسين. (۱۴۱۷ق). الميزان في تفسير القرآن (ج ۶، ۱۰، ۱۲). قم: دفتر انتشارات اسلامي.

۴۵. طبرسي، فضل بن حسن. (۱۴۲۷ق). مجمع البيان في تفسير القرآن (ج ۳). بيروت: دار المرتضى.

۴۶. طبري، محمد. (۱۴۱۰ق). نوادر المعجزات. قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام.

۴۷. طيب، عبد الحسين. (۱۳۸۷). اطيب البيان في تفسير القرآن (ج ۱۲). تهران: اسلام.

۴۸. عاشور، علي. (بی تا). الولاية التكوينية لآل محمد. بی جا: بی نا.

۴۹. عاملی، اسماعیل. (۲۰۱۳م). الولاية التكوينية فيض الهي و عطا رباني. بيروت: دار الولاة.

۵۰. فضل الله، محمد حسين. (۱۴۱۹ق). من وحى القرآن (ج ۶). بيروت: دار الملاك.

۵۱. فضل الله، محمدحسین. (۲۰۱۰م). نظریة الاسلامیة حول ولاية التکوینیة. بیروت: دارالملاک.
۵۲. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۶ق). تفسیر الصافی (ج ۴). قم: صدر.
۵۳. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). تفسیر قمی (ج ۱). قم: دار الکتب.
۵۴. کراجکی، ابوالفتح. (۱۳۶۹). کنز الفوائد (ج ۱). قم: مکتبه المصطفوی.
۵۵. کربلایی، جواد. (۱۳۸۰). الانوار الساطعة فی شرح زیارة الجامعة (ج ۱). قم: دارالحدیث.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی (ج ۱، مصحح: علی اکبر غفاری). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۵۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ج ۲۴، ۲۶، ۹۹، ۱۰۲). بیروت: موسسه وفا.
۵۸. محسنی، طاهره. (۱۳۹۶). نظام ولایت تکوینی در قرآن با تأکید بر تفاسیر فریقین. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۵۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۴). ولاء و ولایتها (ج ۳). تهران: صدرا.
۶۰. مغنیه، محمدجواد. (۱۹۹۳م). فلسفات اسلامیة. بیروت: دارالجواد.
۶۱. مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۴ق). أوائل المقالات (محقق: ابراهیم انصاری). بیروت: دار المفید.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۹). الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل (ج ۲). قم: موسسه امام علی علیه السلام.
۶۳. میلانی، علی. (۱۳۹۶). اثبات الولاية العامة للنبي و الائمة. تهران: حقائق.

References

* The Holy Quran

1. Al-Saghir, J. (1998). *Al-Wilayah al-Takwiniyyah: Haqq Tabi'i li-l-Ma'sum*. Beirut: Dar al-A'raf li-l-Dirasat. [In Arabic]
2. Amili, I. (2013). *Al-Wilayah al-Takwiniyyah: Fayd Ilahi wa 'Ata Rabbani*. Beirut: Dar al-Walaa.
3. Amoli, H. (1988). *Al-Muqaddimat min Kitab Nas al-Nusus*. Tehran: Tous. [In Arabic]
4. Amoli, H. (2001). *Tafsir al-Muhit al-A'zam wa al-Bahr al-Khaddam fi Ta'wil Kitab Allah al-'Aziz al-Muhkam* (Vol. 4). Qom: Nur 'Ala Nur. [In Arabic]
5. Amoli, M. T. (1993). *Al-Makasib wa al-Bay'*. Qom: Daftar Islamic Publications Office. [In Arabic]
6. Ashour, A. (n.d.). *Al-Wilayah al-Takwiniyyah li-Al Muhammad*.
7. Barsi, H. R. (1998). *Mashaariq Anwar al-Yaqin*. Beirut: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at.
8. Bojnourdi, H. (1998). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyya* (Vol. 7). Qom: Al-Hadi. [In Arabic]
9. Boroujerdi, S. H. (1996). *Tafsir al-Sirat al-Mustaqim* (Vol. 3). Qom: Ansariyan. [In Arabic]
10. Fazlullah, M. H. (1998). *Min Wahy al-Qur'an* (Vol. 6). Beirut: Dar al-Malak. [In Arabic]
11. Fazlullah, M. H. (2010). *Nadhariyyah al-Islamiyyah hawla Wilayah al-Takwiniyyah*. Beirut: Dar al-Malak. [In Arabic]
12. Feyz Kashani, M. H. (1995). *Tafseer al-Safi* (Vol. 4). Qom: Sadr. [In Arabic]
13. Hamoud, M. J. (2000). *Al-Fawa'id al-Bahiyyah fi Sharh 'Aqa'id al-Imamiyyah* (Vol. 2). Beirut: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at. [In Arabic]

14. Hassanzadeh Amuli, H. (2004). *The perfect human from the perspective of Nahj al-Balagha*. Qom: Qiyam. [In Persian]
15. Heidari, K. (2011). *Al-Wilayah al-Takwiniyyah: Haqiqatuh wa Mazahiruh*. Qom: Dar Farid. [In Arabic]
16. Hor Amili, M. (1993). *Wasa'il al-Shi'a* (Vol. 4). Qom: Mu'assasat Al al-Bayt li Ihya' al-Turath. [In Arabic]
17. Hosseini Shirazi, M. (2002). *Al-Wilayah al-Takwiniyyah al-Tashri'iyyah li-Siddiqah al-Tahirah*. Beirut: Hay'at Muhammad Amin. [In Arabic]
18. Hosseini Tehrani, M. (1997). *Imamology* (Vol. 5). Mashhad: Allameh Tabataba'i Publisher. [In Persian]
19. Ibn Faris, A. (1979). *Mu'jam Maqayis al-Lugha*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
20. Ibn Manzur, M. (1993). *Lisan al-'Arab* (Vol. 13). Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]
21. Ibn Shahr Ashub, M. (1956). *Manaqib Al Abi Talib* (Vol. 3). Najaf: Haidari. [In Arabic]
22. Ibn Sina, H. (n.d.). *Al-Isharat wa al-Tanbihat* (Vol. 3). Qom: Office for Books Publications.
23. Isfahani, M. (1998). *Hashiyat al-Makasib* (Vol. 2). Qom: Dhawi al-Qurba. [In Arabic]
24. Javadi Amoli, A. (1990). *Wilayat in the Quran*. Qom: Nashr Pejman. [In Persian]
25. Javadi Amoli, A. (2016). *Wilayat-e Faqih, Wilayat-e Fiqahat and Imamate*. Qom: Isra. [In Persian]
26. Karajki, A. F. (1990). *Kanz al-Fawa'id* (Vol. 1). Qom: Maktabah al-Mustafawi. [In Persian]
27. Karbalaei, J. (2001). *Al-Anwar al-Sati'ah fi Sharh Ziyarah al-Jami'ah* (Vol. 1). Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]

28. Khabbaz Qatifi, Z. (2013). *Al-Wilayah al-Takwiniyyah bayn al-Quran wa al-Burhan*. Qom: Baqiyat. [In Arabic]
29. Khersi Bahrani, M. (2002). *Anwar al-Muhammadiyyah fi al-Wilayah al-Takwiniyyah*. Qom: Hazrat Masumah Publications. [In Arabic]
30. Khoei, A. (1975). *Al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Dar al-Zahra. [In Arabic]
31. Khoei, A. (1998). *Misbah al-Fiqahah*, by M. A. Tohidi Tabrizi (Vol. 3, 5). Qom: Davari. [In Arabic]
32. Khomeini, R. (1989). *Sharh Du'a-ye Sahar*. Tehran: Institute for Publications and Preparation of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
33. Khomeini, R. (2005). *Al-Hukumat al-Islamiyyah*. Tehran: Uruj. [In Arabic]
34. Kulayni, M. b. Y. (1986). *Al-Kafi* (Vol. 1, ed. A. A. Ghafari). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
35. Majlesi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar* (Vols. 24, 26, 99, 102). Beirut: Wafa Institute. [In Arabic]
36. Makarem Shirazi, N. (2000). *Al-Amthal fi Tafseer Kitab Allah al-Munazzal* (Vol. 2). Qom: Institute of Imam Ali. [In Persian]
37. Milani, A. (2017). *Ithbat al-Wilayah al-'Ammah li-l-Nabi wa-l-A'immah*. Tehran: Haqiqat. [In Persian]
38. Mohseni, T. (2017). *The System of Ontological Wilaya in the Qur'an with emphasis on Fariqain Interpretations*. Tehran: Imam Sadiq University. [In Persian]
39. Motahari, M. (2015). *Wilayah wa Wilayah-ha* (Vol. 3). Tehran: Sadra. [In Persian]
40. Mufid, M. b. N. (1995). *Awa'il al-Maqalat* (ed. I. Ansari). Beirut: Dar al-Mufid. [In Arabic]
41. Mughniyah, M. J. (1993). *Falsafah Islamiya*. Beirut: Dar al-Jawad.

42. Qummi, A. b. I. (1988). *Tafseer al-Qummi* (Vol. 1). Qom: Dar al-Kitab. [In Persian]
43. Ravandi, Q. (1988). *Al-Khara'ij wa al-Jara'ih* (Vol. 1). Qom: Mu'assasat al-Imam al-Mahdi. [In Arabic]
44. Rouhani, M. S. (2008). *Minhaj al-Fiqahah* (Vol. 4). Qom: Anwar al-Huda. [In Arabic]
45. Rouhani, M. S. (2010). *Ajwibat al-Masa'il fi al-Fikr wa al-'Aqida wa al-Tarikh wa al-Akhlaq* (Vol. 1). Qom: Dar Zayn al-'Abidin. [In Arabic]
46. Sabzevari, S. A. (1993). *Muhadhdhab al-Ahkam fi Bayan Halal wa al-Haram* (Vol. 16). Qom: Al-Manar Institute. [In Arabic]
47. Sadr al-Muta'allihin, M. (1981). *Al-Hikmat al-Muta'aliyyah fi al-Asfar al-'Aqliyyah al-Arba'ah* (Vol. 3). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
48. Sadr al-Muta'allihin, M. (1991). *Tafsir al-Quran al-Karim* (Vol. 5). Qom: Bidar. [In Persian]
49. Sadr al-Muta'allihin, M. (2001). *Al-Mabda' wa al-Ma'ad* (S. J. Ashtiani, Ed.). Qom: Maktabah al-I'lam al-Islami. [In Arabic]
50. Saduq, M. (1984). *Kamal al-Din wa Tamam al-Ni'mah* (A. A. Ghafari, Ed.). Qom: Daftar Intisharat Islami. [In Arabic]
51. Saduq, M. (1996). *Al-Amali*. Qom: Mu'assasat al-Ba'thah. [In Arabic]
52. Saduq, M. (n.d.). *Al-Tawhid*. Qom: Islamic Publications Office.
53. Safar, M. (1985). *Basa'ir al-Darajat*. Tehran: Library of Ayatollah Mar'ashi al-Najafi. [In Arabic]
54. Safi Golpayegani, L. (2014). *Ontological Guardianship and Legislative Guardianship*. Qom: Office for Preparation and Publications of Ayatollah Safi Golpayegani's Works. [In Persian]
55. Sobhani, J. (2006). *Ontological Guardianship and Legislative Guardianship*. Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]

56. Sohrevardi, M. (1993). *Sharh Hikmat al-Ishraq* (H. Ziaei, Ed.). Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
57. Tabari, M. (1989). *Nawadir al-Mu'jizat*. Qom: Imam Mahdi Institute. [In Arabic]
58. Tabatabai, S. M. H. (1981). *Risalah al-Wilayah*. Qom: Institute of Ahl al-Bayt. [In Persian]
59. Tabatabai, S. M. H. (1996). *Al-Mizan fi Tafseer al-Qur'an* (Vols. 6, 10, 12). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
60. Tabatabai, S. M. H. (2006). *Bidayat al-Hikmah*. Qom: Dar al-'Ilm. [In Persian]
61. Tabrasi, F. b. H. (2006). *Majma' al-Bayan fi Tafseer al-Qur'an* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Murtada. [In Arabic]
62. Tayyib, A. H. (2008). *Atayib al-Bayan fi Tafseer al-Qur'an* (Vol. 12). Tehran: Islam. [In Arabic]
63. Zubaidi, M. (1993). *Taj al-'Arus min Jawahir al-Qamus*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]